

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۲۰ رمضان ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۶۶۰ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Thursday - 2020 May 14

www.jamejamdaily.ir

۱۵

بررسی ابعاد دستور رهبر انقلاب
برای مسکونی شدن جزایر خلیج فارس

ایرانی‌تر از همیشه

در روزهای اخیر فرمانده نیروی دریایی سپاه از دستور رهبر معظم انقلاب برای مسکونی شدن جزایر خلیج فارس خبر داد؛ جزایری که اگر قاطعیت و صلابت جمهوری اسلامی ایران نبود، شاید برخی دیگر از آنها نیز از خاک وطن جدا شده بود اما مقامات کشور همواره با قاطعیت در مقابل هرگونه زیاده‌خواهی ایستاده‌اند.

برنامه «زندگی پس از زندگی» با حضور تجربه‌گران مرگ موقت با اقبال زیادی مواجه شده است

از نور برگشته‌ها



گفت‌وگو با نمایندگان پارلمان افغانستان درباره فاجعه حمله تروریست‌ها به زایشگاه کابل

تروریسم علیه شیرخوارگان

نخستین شب قدر ماه مبارک رمضان امسال
با رعایت حداکثری موازین بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی برگزار شد

شب‌رو سفیدی



با وجود وفور میوه در بازار و باغ‌ها
قیمت آن به‌شدت بالا رفته است

آفت دلان در بازار میوه

بازار میوه و تره‌بار در روزهای گذشته باز شیب گرانی را به خود دیده است به طوری که بیشتر محصولات با افزایش قیمت قابل توجهی روبه‌رو بوده‌اند، این در حالی است که هر روز گزارش‌هایی از سراسر کشور می‌رسد که برخی محصولات کشاورزی و میوه‌ها را با قیمت پایینی از کشاورزان خریداری می‌کنند.

بررسی نقش فردوسی در ادبیات حماسی ایران
به‌علاوه همه آنچه از او در شهرها و اطرافمان می‌بینیم

یک ایران، یک فردوسی



مرور همه اتفاقاتی که در دنیای ورزش رخ داد
و جزئیات زندگی ورزشکاران در قرنطینه

عصر یخبندان ورزش

عکس: مهدی مرزباد/فارس

خودنویس

مرثیه‌ای برای بختاور

هوا قند بود. زمین اردیبهشت ... لگد زدی. دردی شیرین پیچید به جانم. با باباییت تماس گرفتم. بابایت ما را به همین شفاخانه آورد. تودم صبح به دنیا آمدی. کلان ترنس‌ها که گفت دختر است، خیلی خوش به جانم نشست. در همان درد و رنج به داشتنت توفیق کردم. پند دارم پاره شد تا بیایی ... با بابای تو اسمت را انتخاب کرده بودیم؛ بختاور که بخت بیابوری به منزلمان. به کشت و کارمان ... بابای تو می‌گفت دخترک بیاید تا گندم بهره‌جان بگیرد. باران بسیار بیبار. گندم‌ها قند بکشند. مادر و کنیم و بغرو شیم. اتاق کلان بیوشانیم. دیوارهایش را سفید کنیم و بیرویم مزار به سیل گل سرخ ... تو هنوز دو بار شیر خورده بودی و بادگلویت را گرفته بودم و مزه‌هایت را می‌شمردم و ابروهایت را دست می‌کشیدم و به آینده‌ات فکر می‌کردم. به اولین مادر گفتنت ... اولین قدم برداشتنت ... اولین بار که گل سر می‌بندم به موهایت و اولین دامن‌ی که می‌پوشی و قد حیاط را بدو بدو می‌کنی و من دلم ضعف می‌رود. من دلم جای سبز می‌خواست و نات قندی و منتظر بودم ترنس بیاید و بگویم به بابایت رنگ بزند که برایم بیآورد. هواسرب شد. باروت شد. گردهام سوخت. خیس و لزوج شد. شیشه‌ها شکست و توتوی بغلم نبود. توی دهانم از همان بویها پیچید. از همان بویها که آن روز توی بازار طالب‌ها انتحاری زدن و نصف مادرم را توی پستوی یک جارو فروشی پیدا کردم و نصفش به دیوار ماسیده بود... مادرم گذشته من بود و تو آینده من... تو بگو بختاور... تو بگو مادر... زنی که نه گذشته‌ای دارد برای مرور و نه آینده‌ای برای تصور و دلخوشی، به چه کار این جهان می‌آید... به چه درد زیتستن می‌خورد... حالا خیس‌خیس خون با ترکشی داغ و سرخ در رحم، افتاده‌ام روی تخت شفاخانه‌ای دیگر با موهایی سوخته و داغی برسینه. بابایت راهنوز خبر ندارم. باباییت هنوز از من خبر ندارد. تو تمام دلخوشی‌ام بودی، مادر نگذاشتند ملاجعت سفت شود. نگذاشتند پلکی به دنیا واکنی. نگذاشتند غیر از صدای قلب من هم، صدایی در دنیا بشنوی. تو را ز دنیا گرفتند. فقط همان طوره که داری به سمت آسمان بال می‌زنی، اگر روح مردک انتحاری را دیدی، توی چشم‌هایش زل بزن و دلیل این کارش را بپرس. بعد به خوابم بیا و بگو. بگو ما مادرهای خاورمیانه تاکی باید بدون آینده، بدون کودک و بدون زندگی زانگی کنیم؟



حامد عسکری

شاعر و نویسنده



رضا نوروزی

رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی

سیاه‌بهار میوه

میوه در بازار میوه و تره‌بار و در سطح شهرها گران شده که با توجه به قدرت خرید مردم این نگرانی وجود دارد. به صرف این کالا با کاهش روبه‌رو شود. قبل از تصمیم‌گیری برای کاهش قیمت میوه ابتدا باید به عوامل گرانی

توسط بانک مرکزی است.

آن پرداخت. دو هفته‌ای است که بانک مرکزی تمام ثبت سفارش‌هایی را که وزارت صنعت، معدن و تجارت برای واردات میوه ارسال کرده، تأیید نمی‌کند. دو هفته است موز در گمرکات مانده اما به دلیل این که بانک مرکزی ارز تخصیص نمی‌دهد قابل تخصیص نیست. برای پیگیری و حل این موضوع از وزارتخانه های صمت و جهاد کشاورزی و گمرک پیگیری کردیم اما تا وقتی ثبت سفارش توسط بانک مرکزی تأیید نشود، تخصیص کالا غیرممکن است. وارد نشدن این کالای وارداتی باعث شده موز در بازارهای میوه و تره‌بار به بیش از ۲۰ هزار تومان برسد. اگر بانک مرکزی عملیات تخصیص ارز را انجام دهد، یک هفته بعد قیمت‌ها سیر نزولی خواهند داشت. چند کشتی در حال حرکت به ایران است و تعدادی کانتینر یخچالی در گمرکات تخلیه شده که با گذشت زمان موز رو به خرابی می‌رود و از سوی دیگر در بازار کم شدن موز افزایش قیمت را به دنبال دارد. هر زمان که یک کالا کم شود قطعاً قیمت افزایش می‌یابد و گران شدن میوه‌های گرمسیری مرتبط با تخصیص ندادن ارز

اما گرانی میوه روی دیگری هم دارد که مربوط به میوه‌های داخلی است. اکنون فصل سیاه‌بهار است که در حال پشت سر گذاشتن آن هستیم. در این فصل میوه‌های فصل گذشته روانه بازار می‌شود و سیب، پرتقال و کیوی با عنوان میوه آخر فصل به فروش می‌رسد که با افزایش قیمت نسبت به اسفند که قیمت کمتری داشت روبه‌رو شده است. میوه‌های دیگری هم هست که اکنون نوبرانه آنهاست: زردآلو و گوجه سبز جزو بارهای نو هستند و با قیمت‌های بسیار گرانی در مناطق مرغه نشین عرضه می‌شود. تا زمانی که تقاضا در این بخش وجود داشته باشد این قیمت‌ها بیشتر می‌شود و از شهروندان می‌خواهیم برای کنترل بازار خرید نکنند تا قیمت‌ها به تعادل برسد. در هفته آینده عرضه میوه افزایش می‌یابد و میوه‌هایی که اکنون در بازار را با قیمت بالا عرضه می‌شوند پایین می‌آید. در بخش صیفی جات و سبزیجات وضعیت خوبی داریم و بازار میوه در دو هفته آینده به تعادل می‌رسد.

نگاه

پاسخ به سوال‌هایی درباره مرگ



حجت الاسلام رضا محمدی

کارشناس مذهبی

درباره مرگ و اصل این موضوع قرآن در بیش از هزار و صد آیه صحبت کرده است و آیات و روایات زیادی در این باره وجود دارد. به همین دلیل باید به چنین موضوعی پرداخت تا مردم، هم امیدشان به زندگی بیشتر و هم زندگیشان معنادارتر شود. پس در پرداخت به آن تردیدی نیست و این اتفاق هر چه بیشتر مورد توجه قرار بگیرد آثار تربیتی و غیرتربیتی فراوانی دارد. در مورد زندگی پس از زندگی در حوزة فنی و هنری من وارد نیستم، اما از نظر محتوایی مواردی که در آن مطرح می‌شود اکثراً مورد تأیید آیات و روایات هستند و در آن صحبتی که خلاف این اعتقادات باشد، وجود ندارد. من در صحبتی که البته کوتاه شد هم گفتیم آنچه تجربه گران در آن عالم مشاهده کرده‌اند، علم حضوری است و برای انتقال و تعریف آن لازم است تا فرمتش را تغییر دهند و در قالب علم حصولی آن را عرضه کنند. در این تبدیل؛ فرهنگ، ادبیات و ذوق هر کسی روی آن اثر می‌گذارد و ممکن است اشتباهاتی رخ دهد. با این حال از نظر کارشناسی مشکل خندانی به این برنامه وارد نیست. تاکنون من با هر کسی که برخورد داشتم از برنامه شبکه ۴ درباره زندگی پس از مرگ استقبال کرده است.

زمان بخش کارشناسی برنامه هم موضوع دیگری است که به عقیده خیلی‌ها از جمله خود من، کم است. یعنی باید به همان میزانی که تجربه‌گرها صحبت می‌کنند، کارشناس هم بتواند درباره‌اش توضیح دهد و آن را رد یا تأیید کند. چون مسأله زندگی پس از مرگ جزو سوال‌هایی است که برای همه وجود دارد و وقتی مردم تحلیل آن را از زبان کارشناس می‌شنوند خیالشان راحت‌تر می‌شود. علاوه بر این‌ها بعضی از تکرارها را هم می‌شود از برنامه حذف کرد، مثل سوالی که درباره جایگاه خیال، خواب و... با گوی‌هایی از مهمان پرسیده می‌شود یا بعضی از تصاویر. با همه این‌ها طبق آنچه من در جمع‌های مختلف دیدم، جا دارد این‌گونه کارها تشویق شوند؛ چرا که آثار و برکات آنها با اعضاء از احیاناً اشکالات فنی و جزئی، قابل تقدیر است و با توجه مناسب به آنها دیگران هم برای شکل دادن چنین اتفاقاتی تشویق خواهند شد.

یادداشت

موهبت‌های جزایر ایرانی



فریدون همتی

استاندار هرمزگان

بدون تردید جزایر بکر استان هرمزگان چه به لحاظ برخورداری از ظرفیت‌ها و موهبت‌های بالقوه و چه به لحاظ موقعیت استراتژیک، دارای اهمیت بسیاری است. تأکیدات رهبر معظم انقلاب و همچنین حساسیت دولت در خصوص مسکونی کردن جزایر نشانی از اهمیت بالای آنهاست. مطمئناً مسکونی کردن جزایر نیازمند تدوین طرح توسعه برای همه جزایر است که این کار تا حدودی انجام پذیرفته است. ایجاد اصلاح و به روزرسانی زیرساخت‌های پایدار مانند آب، برق، مخابرات و حمل و نقل دریایی، اختصاص تسهیلات ویژه برای سرمایه‌گذاران، اختصاص اعتبارات از منابع ملی و استانی و همچنین مشارکت دستگاه‌هایی چون ستاد اجرایی فرمان حضرت امام، بنیاد مستضعفان و... نقش مهمی در توسعه جزایر و در نتیجه افزایش جمعیت ساکنان ایفا می‌کند.

ایجاد تسهیلات انگیزشی برای ساکنان همچنین سند دار کردن منازل برای مالکان و ساکنان جزایر، توسعه ظرفیت‌های پالایشگاهی منطقه با توجه به ذخایر موجود، استفاده از ظرفیت ساکنان و مشارکت آنها در اجرا و مشاوره طرح‌ها در قالب گروه‌های مردمی و اهمیت و نقش و تأثیر آنها در توسعه جزایر علاوه بر این که انگیزه دو چندان در ساکنان ایجاد می‌کند، می‌تواند عاملی برای حضور مردم و تعدد جمعیت باشد. از سوی دیگر، بدون تردید مسکونی کردن جزایر کمک شایانی به افزایش امنیت در منطقه خواهد کرد. با افزایش جمعیت و ایجاد بستر مناسب برای استفاده از ظرفیت‌های فراوان جزایر می‌توان به مردمی کردن اقتصاد و تجارت همچنین مردمی کردن زندگی در جزایر امیدوار بود. از ظرفیت جزایر می‌توان به عنوان موقعیتی کم نظیر برای پاسخگویی به بخشی از چالش‌ها و معضلات اقتصادی و اجتماعی نیز بهره جست. با مسکونی شدن جزایر و افزایش جمعیت و با در نظر گرفتن جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی جزایر که جنبه تجاری و گردشگری دارند می‌توان قابلیت تبدیل شدن به قطب گردشگری در کشور و حتی منطقه برای آنها متصور بود. در شرایطی که کشور درگیر معضلات اقتصادی به‌ویژه اشتغال است، جزایر و قابلیت‌های متنوع آن در اشتغال‌زایی برای جوانان سهم فراوانی خواهند داشت.

درنگ

دنیای بی‌علی^(ع)



علیرضا رافتی

روزنامه‌نگار

دیگر بعد از طبقه دهم نفهمیدم آناسسور چند طبقه دیگر بالا رفت و ایستاد. در که با شد آقاایی باکت و شلوار مشکی و کشش‌هایی که برق می‌زد و دستکش و دستمال سفیدی روی ساعد خم شده‌اش، کمی سرش را خم کرد و با احترام دعوت‌مان کرد به سالن اصلی رستوران. همراهم با میزبان گرم گرفته بود و من از دیوار یک‌سر شیشه‌ای رستورانی در شمال تهران، شب شهر را به سمت جنوب می‌دیدم و چراغ‌های شهر کم‌کم در گرگ و میش غروب روشن می‌شدند. دعوت شده بودیم به مهمانی افطاری یکی از دوستان مان. حالا دیگر نامه‌ها و بخشنامه‌ها را روی کاغذ هم ارسال نمی‌کنند چه برسد به این که با قلم و جوهر بنویسند. حالا روند اداری خیلی با چند صد سال قبل فرق کرده. اگر مدیر خیلی دلش بخواهد نامه را لمس کند، می‌سپرد به مسئول دفترش که نامه‌ها را چاپ کند و روی میزش بگذارد. حالا دیگر نامه‌ها جان ندارند. از دیوار یک‌سر شیشه‌ای رستوران، شیب کوه‌پایه‌ای تهران را به سمت جنوب نگاه می‌کردم. حالا دیگر شب شده بود و چراغ‌ها چشمک می‌زدند. نمی‌دانم طبقه چندم بودیم اما حکماً آن قدر بالا بودیم که چراغ‌ها به چشمک افتاده بودند. گارسون‌ها چند مدل سوپ و آش افطار را از روی میزها جمع می‌کردند و چند مدل غذا و دسر شام را می‌چیدند. چراغ‌های شهر چشمک می‌زدند. یکی آن وسط‌ها، شاید چند کیلومتر پایین‌تر یک طرف حلیم را با نصف مزد یک روزش خریده بود که سفره افطار خانه‌اش را رنگین کند. چند کیلومتر پایین‌ترش یکی به نانوا گفته بود این نان را هم بگذارد به حساب که آخر ماه تسویه کند. چند کیلومتر پایین‌ترش یکی از همسایه‌ها می‌پرسید چطور می‌شود بدون گوشت، سوپ درست کرد. چراغ‌های شهر چشمک می‌زدند. می‌شام با چند مدل کباب و خورشت چیده شده بود. حالا دیگر نامه‌های بی‌جان چیزی جز خطاب و عتاب و دستور اداری نیستند؛ نامه‌هایی که اغلب با متن و نگارش غلط و اصطلاحات قاجاری نوشته می‌شوند؛ نامه‌ای که به سیستم ابلاغ شود حکماً روی صحبتش با انسان نیست. نامه‌ای که کاغذی نباشد و جوهر زنده تورا به ضیافتی اعیانی که فدرال را آن راه نداشتند، دعوت انسان در مقام مدیر. افطاری تمام شده بود و دست میزبان را فشرده بودم و با همراهم به سمت ماشین می‌رفتیم. حالا که کف خیابان بودیم دیگر چراغ‌ها چشمک نمی‌زدند. پسرچه‌ای کنار پارکینگ فال می‌فروخت. وقتی نامه از مرکز حکومت به فرمانداری بصره رسید، جان داشت. کاغذ داشت. جوهر زنده داشت. هنوز بوی دست‌های امیرالمومنین (ع) را می‌داد. عثمان بن حنیف، فرماندار بصره کاغذ را باز کرد. بی تعارف و تمهید نوشته بود: «ای فرزند حنیف! شنیدم احشاف (بصره) تورا به ضیافتی اعیانی که فدرال را آن راه نداشتند، دعوت کرده‌اند و پذیرفته و رفته‌ای. گمان نداشتم تو خوردن غذای قومی را بپذیری که فقرای آنان مورد اعتراض قرار می‌گیرند و بی‌نیازهایشان بر سر سفره می‌نشینند...» گفته بود من امیر حکومت اگر بخواهم می‌توانم گران‌ترین قیای دنیا و مغرóbترین عسل را داشته باشم. اما مهربات اگر چنین شود در حالی که ممکن است در حجاز و یمامه کسی گرسنه بخواهد.